مکتب تمدنی رهبر شهید؛ تحلیلی بر مؤلفه‌های منظومه فکری و راهبردی

آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (ره)، رهبر حکیم انقلاب اسلامی، در سن ۸۶ سالگی، در روز دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ و نهم اسفند ۱۴۰۴، در محراب کار و مجاهدت، در حال تلاوت قرآن کریم، در کنار دختر، داماد، عروس و دردانه‌های عزیزشان، به فیض عظمای شهادت نائل آمدند و نه تنها ایران، که وجدان بیدار جهان اسلام را در اندوهی عمیق فرو بردند.

این شهادت، تجلی مسیر آزادمردی بود که زندگی پربارش از آغاز تا انجام، روایت ایستادن در برابر طوفان‌های ظلم و ستم و به درستی ابرشخصیت تمدنی ایران بود.

شصت‌وپنج سال مبارزه و جهاد خستگی‌ناپذیر، مبارزه پیوسته به نظام سلطه جهانی، مهربانی و دلسوزی نسبت به ملت شریف ایران که ممهور به خون پاک ایشان و برگزیدگانی از خاندانشان شد، تصویری زنده و انکارناپذیر از صداقت و امانتداری و وفاداری به ملت شریف ایران و همه آزادگان جهان بود. شهادت در محل کار و نه در پناهگاه و دور از مشی زندگی مردم، کربلای حسینی را در برابر دیدگان تاریخ معاصر قرار داد.

شهادت اسطوره مقاومت، در کنار خانواده از نوه ۱۴ ماهه، زهرا محمدی تا دختر، عروس و داماد و چندین نفر از یاران اعم از یاران دبستانی تا سرداران بزرگ، گواه آشکاری بر استواری و انسجام مکتب رهبر و مقتدای شهید است. رهبر شهیدی که اسطوره توجه به خدا، حکمت‌گرایی، همه جانبه‌نگری، عدالت‌خواهی و مبارزه با استعمار و نظام سلطه بودند.

نگاهی مختصر به زندگی سراسر نور و حکمت ایشان نشان می‌دهد که ایشان از چهارسالگی افتخار انس با قرآن کریم را پیدا کردند و در طول دهه‌ها، با دانش الهی مبتنی بر قرآن و سنت و ادبیات فاخر ملی و جهانی و پیوند با تجربه‌های مبارزه با استعمار، شخصیتی حکیم و الهی را به جهان معرفی کردند.

در طول ۸۶ سال عمر با برکت خویش، بیش از ۶۵ سال در مسیر پرمخاطره مبارزه با نظام سلطه همراه با زندان، تبعید و شکنجه و ترور و تحمل فشارهای گسترده جبهه نفاق و فتنه و توطئه‌های بین‌المللی، مجاهدت کردند.

رهبر عزیزی که بیش از ۴۴ سال با جانبازی بالا و زخم عمیق ناشی از ترور در تیر ماه ۱۳۶۰ که منجر به آسیب دیدگی اساسی از محل بالای کتف راست و بالای ران سمت راست و شکستن استخوان ترقوه همراه با قطع چند رگ و عصب دست راست شد و از آن زمان دست راست ایشان از کار افتاد و دچار مشکل حرکتی شد.

دست راست ایشان از کار افتاد ولی در طول این ۴۴ سال راست قامت و استوار، حسرت یک آه را بر دل

دشمن گذاشتند و هرگز از تن رنجور خویش به جز یک مورد استثنائی دم نزدند.
آنقدر با صلابت و با نشاط رهبری امت را بر عهده گرفتند که گوئی هیچ رنج و دردی در روح و جان ندارند و همواره همچون یک جوان سلحشور و یک حکیم جهان‌شناس، سخن گفتند و منشاء اقدامات بزرگ علمی و معنوی در جهان امروز شدند.
وقتی از مکتب رهبری شهید سخن می‌گوییم، از یک نگاه هدفمند، منسجم و نظام‌مند می‌گوییم که هدف از زندگی و راه‌های رسیدن به هدف و فرهنگ متناسب با آن را به صورت منسجم و روشن تبدیل به یک سنت و سیره رهبری کرده است. مکتب رهبر شهید از ۹ خصیصه بنیادین برخوردار است که نگاه ساختارمند، هدفمند و با ثبات قدم را در صفحه صفحه تاریخ زندگی ایشان منعکس می‌کند.

۱) توحیدگرایی و خداگرایی ماندگار: رهبر حکیم و شهید انقلاب همواره متذکر قدرت خدا، قوانین الهی و سیره و سنت الهی بودند. از نظر ایشان (۱۳۹۱الف)، توحید به‌معنای «اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت» و «عبودیت خدا و عدم عبودیت غیرخدا» است. این نگاه درواقع توحید را بر مبنای لا اله الا ا تفسیر می‌کند.
ایشان اهل تهجد طولانی، تلاوت و انس دائمی با قرآن کریم و اندیشه‌ورزی در عمق تعالیم الهی بودند. از سوی دیگر، ایشان به «اعتماد و وثوق به خداوند متعال» و «اعتماد به نصرت و وعده‌های الهی» و «حسن ظن به خداوند» توجه عمیق داشتند و آن را یکی از عناصر سازندهٔ انقلاب اسلامی و ایستادگی آن و همچنین عامل مهمی برای مقابله با دشمنی‌های دشمن و رفع گرفتاری‌ها می‌دانستند. ایشان (۱۳۹۰الف) در بیانات خود می‌فرمایند «به خدای متعال باید حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال ملامت می‌کند آن کسانی را که به او حسن ظن ندارند...
سوءظن به خدا این است که انسان خیال کند این‌که فرموده است «ولینصرن ا من ینصره» خلاف واقع است. یا این‌که فرموده است «الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» وعدهٔ تخلف‌پذیری است...». ایشان توحید و حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه را رکن اساسی انقلاب دانسته و می‌فرمایند (۱۳۸۲) «توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیان‌گر بر ارزش‌های انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی و پیام انقلاب اسلامی بود».

۲) حکمت‌گرایی: قرشی (۱۳۵۲، ج2: ۱۶۳) می‌گوید «حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به‌وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد». صاحب حکمت، کسی است که ممانعت از ظلم، جهل، گناه و امور غیرعقلانی را بر محور دستورات الهی استوار می‌کند. در این نگاه، حکمت، منشأ به‌وجود آمدن «خیر کثیر» در جامعه می‌شود و اگر نباشد، راهبران صاحب حکمت، شاهد گسترش ظلم، جهل و اعمال جاهلانه خواهند بود. «یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ

يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُوْلُوا الأَلْبَابِ / خداوند فیض حکمت را به هر که خواهد عطا کند و هر که را به حکمت و دانش رساند در باره او مرحمت و عنایت بسیار فرموده و این حقیقت را جز صاحبان عقل و خرد درنیابند» (سوره بقره/ آیه ۲۶۹).

رهبر حکیم انقلاب اسلامی همواره با اشراف بر مسائل داخلی و خارجی و آینده‌نگری مدبرانه و شناخت و درک صحیح واقعیات زمانه، نه فقط زمان حال، بلکه افقهای آینده را مورد توجه قرار داد و لذا مسیر منطقی و صحیح حرکت را نشان می‌دهد. «تأکید بر هوشیاری ملتها» به‌منظور کسب موفقیت از مواردی است که حکمت رهبر انقلاب اسلامی (۱۳۹۱ب) را نشان میدهد که میتواند مانع از غفلت ملت‌ها از میراث برجسته خود شود: «....یک ملت بزرگ با یک تمدن تاریخ کهن، گاهی اوقات با یک میراث علمی برجسته، وقتی از حال خود غافل می‌شود، وارد میدان نیست...».

اشراف بر وقایع منطقهای و بینالمللی و تحلیل دقیق از رویدادها از دیگر خصوصیات حکمت رهبر شهید است. بیانات ایشان در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۹۳) بر این امر اذعان دارد و ایشان به «درک واقعیات جهانی به‌شکلی صحیح» و «نقش‌آفرینی در عرصة بین‌المللی» تأکید دارند: «... نظم قبلی جهانی دیگر قابل استمرار نیست که غربیها مدیریت جهان را بهدست بگیرند... به نظر ما دو مطلب مهم است: مطلب اول این است که این واقعیتهایی که امروز مشاهده میکنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود،... کار دومی که مهم است، این است که خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید...».

به‌علاوه ایشان (۱۳۹۰ب) در حوزة دیپلماسی نیز سه اصل «حکمت، عزت و مصلحت» را مبنای تعامل سازنده و مؤثر با جهان می‌دانند: «حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ این‌ها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل هستند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجة اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند...».

از سوی دیگر، شهید حکمت و دانائی (۱۳۹۲الف) «وحدت» را مهم‌ترین مسئله جهان اسلام می‌دانند و به ایجاد دوران بیداری اسلامی در میان ملت‌های مسلمان تأکید دارند: «امروز مهم‌ترین مسئله در دنیای اسلام، وحدت است. اتحاد به سمت هدف‌ها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار مردم‌سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی... راه، بیداری اسلامی است؛ راه، آگاهی از شأن ملت‌های اسلامی است...». بیداری اسلامی خاموش شدنی نیست و «خودباوری و خودبازیابی هویت اسلامی» به‌وجود آمده در کشورهای مسلمان حتی با سرکوب یا برکناری دولت‌ها نیز از میان نمی‌رود: «وقتی احساس وظیفة اسلامی در یک ملتی به‌وجود آمد، احساس هویت اسلامی وقتی در یک ملتی به‌وجود آمد، به این آسانی نمی‌شود این را از بین برد...» (۱۳۹۲ب).

رهبر والا مقام شهید، امام و سیدالشهدا انقلاب، حضرت آیت‌ا العظمی خامنه‌ای (ره) (۱۳۹۲پ) «عزم و

ارادهٔ متکی به ایمان و توکل و بصیرت و تدبیر» را عاملی می‌دانستند که می‌تواند «ملت‌های مسلمان را در این چالش‌ها به پیروزی و سرافرازی برساند» و راه نجات جامعهٔ بزرگ مسلمانان از گرفتاری‌ها را وجود انسان‌هایی می‌دانند که «اندیشه و عمل را در کنار ایمان و صفا و اخلاص و مقاومت در برابر دشمنان کینه‌ورز را در کنار خودسازی معنوی و روحی» داشته باشند. درواقع ایشان «اسلام» را عامل نجات‌بخش امت اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند (۱۳۷۶) «...آن‌چه که ما برای برادران مسلمانمان در سراسر عالم می‌خواهیم، این است که دولت‌ها و ملت‌ها به اسلام به چشم نجات‌بخش نگاه کنند و آن را مایهٔ عزت و افتخار و کرامت خودشان بدانند...».

۳) ایران‌گرایی: تمرکز بر ایران به‌مثابه یک سرزمین تمدنی با ظرفیت‌های والای تاریخی، فرهنگی و اخلاقی، همواره یکی از ارکان مکتب فکری رهبر شهید بود. ایران‌گرایی در دیدگاه رهبر شهید انقلاب، ملی‌گرایی دینی و عقلانی بود که وابستگی به ایران را با ایمان اسلامی پیوند می‌زد، نه ملی‌گرایی نژادی یا سکولار. ایشان (۱۴۰۲الف) می‌فرمایند: «اسلامیّت و ایرانیّت دو قطب متضاد نیستند، یک حقیقتند. هر کسی طرفدار اسلام شد، هر کسی سرباز اسلام شد، از هر ارزشی ــ از جمله ارزش میهن و وطن ــ به طور طبیعی دفاع میکند. حُبُّ الوَطَنِ مِنَ الایمَان؛ این از ایمان است».
ایشان بر افتخار به هویت ایرانی، حفظ زبان فارسی و استقلال ملی تأکید داشته و آن را مکمّل قدرت کشور در کنار اسلام می‌دانستند. این نگاه، تضادی با ارزش‌های اسلامی ندارد و بر پیشرفت و اقتدار ایران متمرکز است. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (ره) (۱۴۰۲الف) می‌فرمایند: «از اوّل انقلاب، یک گروهی سعی میکردند گرایش به ملّیّت را و نام ایران را و بزرگداشت ایران را در مقابل گرایش اسلامی و انقلابی قرار بدهند و تفکیک کنند بین مسئله‌ی ملّیّت و مسئله‌ی اسلامیّت. جنگ، دفاع مقدّس و شهدای عزیز ما این وسوسه‌ی باطل را به طور واضح و به صورت عملی ابطال کردند». ملی‌گرایی در این دیدگاه به معنای تلاش برای سرافرازی ایران در سایه اسلام است.
رهبر شهید انقلاب همواره بر پرورش نسلی که به ایرانی بودن خود افتخار کند و تاریخ و زبان خود را پاس بدارد، تأکید داشتند. «احساس هویّت ایرانی و اسلامی و شخصیّت ملّی را در کودکان این کشور باید زنده کنید. مسئله‌ی زبان مهم است، مسئله‌ی ملّیّت مهم است، مسئله‌ی پرچم مهم است؛ دلبسته باید باشد؛ اینها چیزهای لازمی است، اینها اساسی است. بایستی این شناخت را، این هویّت‌شناسی ملّی و شخصی را در دانش‌آموز زنده کنید؛ [دانش‌آموز] باید به ایرانی بودنِ خودش افتخار کند. البتّه افتخار هم دارد» (حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۴۰۲ب). ایشان تأکید داشتند که این افتخار باید به شکل عملی و از طریق آموزش صحیح در مدارس به نسل جوان منتقل شود.
رهبر شهید با اشاره به ظرفیت‌های بی‌نظیر ایران در طول تاریخ ــ از تمدن کهن پارس بر این باور بودند که ملت ایران به برکت اسلام، مسیر بیداری تمدنی را طی می‌کند. ایشان (۱۳۹۷) فرمودند:

«هویّت ملّی باید در مجموعه‌ی نخبه‌ی کشور تقویت بشود، باید احساس کنند که ایرانیِ مسلمانند، باید افتخار کنند به اینکه ایرانیِ مسلمانند؛ این باید در آنها تقویت بشود؛ باید افتخار کنند که تتمّه و دنباله‌ی یک تاریخ بسیار شرافتمندانه و باارزشند؛ دانش ما یک روز دنیا را در تصرّف داشته، فلسفه‌ی ما یک روز برترین فلسفه در دنیا بوده، دانشمندان ما، حقوق ما، فقه ما همین‌جور؛ ما دنباله‌ی آن تاریخ هستیم».

ایشان ایران را هویتی ممتاز در جهان اسلام می‌دانستند که تلفیقی از ایمان عمیق، غیرت ملی و میراث کهن تمدنی است. برخلاف نگاه‌های غرب‌زده یا ناسیونالیسم افراطی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (ره) ایران‌گرایی را در بستر اسلام ناب محمدی تعریف می‌کردند. ایشان (1394ب) می‌فرمایند: «هویّت ایرانی یک چیز عجیبی است در تاریخ؛ همه‌ی کسانی که به ایران تهاجم کردند به یک نحوی، در ایران بعد از مدّتی حل شدند:

زبانشان، آدابشان، فرهنگشان؛ تنها چیزی که مستثنی است، اسلام است که اسلام آمد ایران و در ایران غرق نشد، ماند و ایرانی اسلام را از بُن دندان قبول کرد؛ ...ایران زبانش عوض نشد، فارسی باقی ماند؛ یعنی یک چیز عجیبی است در ایران؛ این خصوصیّتی است که مال کشور ما است. ... هویّت ایرانی کار خودش را کرد». و البته (همان): «جوانهای عزیز! بدانید که... عرصه‌ی هویّت اسلامی و ایرانی عرصه‌ای است که در آن شجاعت لازم است، فداکاری لازم است، دانش لازم است، ایمان عمیق لازم است؛ خودتان را آماده کنید؛ همه‌ی جوانها مخاطب این حرفند، امّا شما جوانهای عزیز ما در نیروهای مسلّح از جهتی بیش از دیگران مورد خطاب هستید؛ باید خودتان را آماده کنید».

باب وسیعی از ایرانی گرایی رهبرو مقتدای شهید ما توجه به زبان و ادبیات فارسی و برجسته کردن میراث تمدنی شعرا و ادبای ایرانی بود. او خود یک ادیب توانمند بود که گفتارها و مداخلات ادبی فاخر و حتی سراینده اشعار زیبا، موزون و پر معنا بود که تلخیص "نسیم" را در اشعار خود برگزید که الحق نسیم پرترنم زیبائی تمدنی و فاخر بود. رهبر عزیز و دل به خداسپرده ایران عزیز پیوند عمیق با سعدی و حافظ داشت. او در مورد سعدی می‌فرمود: «سعدی یکی از پایه‌های بنای استوار ادب پارسی و محصول شعر و نثر او تشکیل‌دهنده یکی از برازنده‌ترین اندام‌های پیکره شکوهمند فرهنگ کنونی ما است... پند سعدی که مایه گرفته از معارف قرآن و حدیث است همواره نقش زرین خاطر پندآموزان و زبان فصیح و صریح او رازگشای گنجینه‌های معانی برای دل‌های جوینده و مشتاق بوده است». دل‌دادگی او به حافظ خیره کننده بود و بعد از تلاوت قرآن کریم، انس زیبایی با اشعار حافظ داشت و می فرمود: «اوقاتی بود که من شب‌ها تا یک غزل دو غزل از حافظ نمی‌خواندم نمی‌خوابیدم. تعجب هم می‌کنید؛ اما جز تعجب چاره‌ای نیست تعجب کنید. واقعیت است شب‌ها تا غزل نمی‌خواندم از حافظ، نمی‌خوابیدم» (مصاحبه با سیدعلی خامنه‌ای، جلسه:سوم. مصاحبه کننده: حمید روحانی. منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی).

تلخیص دیگر ایشان در اشعار و سرودها "امین" بود که به زیبایی جناب حجت‌الاسلام انصاری‌نژاد که از شعرای برجسته کشور در کتاب "امین شعر انقلاب" کتاب را مزین به شعر جدیدی از ایشان می کند که زبان حال و منعکس کننده روحیه و هویت متعالی و دغدغه های آن امام همام است:

گامی به راه و گامی در انتظار دارم
سرگشته روزگاری پ َرگار–وار دارم
دلبسته‌ی امیدی در سنگلاخ گیتی
ر َه بی‌شکیب پویم، دل بی‌قرار دارم
یک عمر میزدم لاف از اختیار و اینک
چون شمع، اشک و آهی بی‌اختیار دارم
گو ابرِ غم ببارد تا همنشین عشقم
از غم چه باک دارم کاین غمگسار دارم
نبود روا که گیرم جا در حضیض پ َستی
سیلم که هستی خود از کوهسار دارم
سرشارم از جوانی هر چند پیر دهرم
چون سرو در خزان نیز رنگ بهار دارم
از خاک پاک مشهد نقشی است بر جبینم
شادم «امین» که از دوست، این یادگار دارم

الحق رهبر شهید ما "امین ملت ایران" و بلکه "امین مردم مظلوم جهان" بود. وفادار بود و دلسوز سلامت و دغدغه‌مند نسبت به اعتلای ایران و اسلام بود. علیرغم جفاها، به همه ایده‌ها و گرایش‌های سیاسی احترام می‌گذاشت که در انستابات و حمایت‌های او از همه روسای جمهور تاریخ انقلاب نمونه‌ای از امانت‌داری نسبت به رای مردم و فاداری نسبت به ملت‌عزیز ایران داشت.

۴) جامع‌نگری و هدفمندی برای استقرار جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی: یکی از عناصر فکری مکتب رهبر شهید، جامع‌نگری و توجه همزمان به ظرفیت‌ها برای رسیدن به هدف راهبردی یعنی «تمدن نوین اسلامی» با الگوی نظام پیشرفت اسلامی ـ ایرانی است. ظهور انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نه یک انتقال سیاسی صرف، بلکه تولد عصری جدید در تاریخ بشر و عرصه‌ای بود که بنیان‌های نظم نوین جهانی را به چالش کشید. این رویداد، تحت رهبری امام خمینی (ره) و بعدها آیت‌ا العظمی خامنه‌ای (ره)، بسیار فراتر از سرنگونی یک سلطنت؛ بازاندیشی بنیانی راجع به ماهیت حکومت، جامعه و رابطه انسان با امر الهی را رقم زد. در حالی که قرن بیستم تحت سلطه تقابل ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری و کمونیستی بود، انقلاب اسلامی مسیر سومی را معرفی کرد: نظامی ریشه‌دار در حاکمیت الهی، که در آن اقتدار معنوی و

دنیوی تحت هدایت وحی متحد شدند. این تحقق، یک اصلاح نبود، بلکه انقلاب به معنای واقعی کلمه، واژگونی کامل مفروضاتی که مدرنیته را اداره می‌کرد و جایگزینی آنها با دیدگاهی برگرفته از اصول بنیانی اسلام بود.

تأثیر انقلاب از مرزهای ایران فراتر رفت و این افسانه را درهم شکست که جوامع مسلمان ناگزیر باید از الگوهای غربی ناسیونالیسم سکولار یا مدرنیته اقتدارگرا پیروی کنند. آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای شهید (ره)، به عنوان برجسته‌ترین معمار فکری انقلاب در دوران پس از امام خمینی (ره)، این امر را به عنوان «بیداری تمدن اسلامی» با تأکید مجدد بر استقلال‌گرایی معنوی و فرهنگی در برابر آنچه ایشان نظام سلطه می‌نامیدند بیان کردند.

تأسیس جمهوری اسلامی نشان داد که یک دولت می‌تواند مشروعیت خود را نه تنها از اراده مردمی و نه از نیروی قهری، بلکه از وفاداری به قانون الهی کسب کند که از طریق ولایت فقیه تفسیر می‌شود. این کنش بین اصول الهیاتی با حکمرانی معاصر، الگویی برای مقاومت در برابر قدرت هژمونیک ایجاد کرد و جنبش‌هایی را در سراسر جهان اسلام و فراتر از آن الهام بخشید.

رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران وظیفهٔ امت اسلامی را پیشرفت همه‌جانبه یا «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و متفاوت از چیزی می‌دانند که قدرت‌ها دربارهٔ بشریت فکر و عمل می‌کنند.

از نظر ایشان (۱۳۹۴پ)، تمدن نوین اسلامی به‌معنای «تصرف سرزمین‌ها» و «تجاوز به حقوق ملت‌ها» و «تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها» نبوده، بلکه به معنای «عرضه کردن هدیهٔ الهی به ملت‌هاست تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند...». لذا تمدن اسلامی در نقطهٔ مقابل «منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌های ظالم و خون‌خوار دنیا» (آیت ا‌ العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۳پ) قرار دارد.

رهبر شهید انقلاب در ایجاد تمدن نوین اسلامی، «استفاده از تجربهٔ جهانی اما با روح معنویت» را لازم می‌دانستند و می‌فرمودند (۱۳۹۴پ) «همچنان‌که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند... ما هم امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتهی با روح اسلامی و روح معنویت». همچنین ایشان منابع و ابزار ایجاد تمدن اسلامی در جهان اسلام را شامل جمعیت مسلمانان، سرزمین‌های خوب، موقعیت جغرافیایی برجسته، منابع طبیعی وافر و نیروهای انسانی بااستعداد و برجسته می‌دانند که می‌تواند دنیایی سرشار از معنویت بسازد. اما شاخص اصلی تمدن اسلامی از نظر مقام معظم رهبری (۱۳۹۲چ)، «بهره‌مندی انسان‌ها از همهٔ ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوعی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و

تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار می‌توان و باید مشاهده کرد».

۵) مردم‌گرایی و تمرکز بر قدرت مردم و مشروعیت‌بخشی به رأی و حضور مردم: مشی زندگی سیاسی و اجتماعی ایشان منعکس‌کننده تعامل مستمر با اقشار مختلف جامعه بود. از ادیبان و شاعران گرفته تا هنرمندان و سینماگران و اهل رسانه و روزنامه‌نگاران و از دانشمندان و نخبگان اجتماعی گرفته تا دانش‌آموزان و دانشجویان و ارتباط با همه اقشار مردم در همه استان‌های کشور با بهانه‌های متفاوت، حکایت از دلدادگی ایشان به مردم داشت. سنت رفتن به استان‌ها بعنوان رئیس جمهور و توصیه به همه روسای جمهور در ارتباطات مستقیم با مردم و مسائل مردم، همه حکایت از روحیه مردم‌گرایی و رابطه صمیمانه و عاشقانه با مردم داشت. در عین حال به لحاظ ساختاری، مدل نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مدل مردم‌سالاری دینی است که بر همین مبنا، از اصل تأیید جمهوری اسلامی ایران گرفته تا انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، نمایندگان مجلس خبرگان، شوراهای شهر و غیره، همه با رأی مردم انتخاب می‌شوند.

مردم‌سالاری دینی از نظر آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۳چ) «یعنی آحاد مردم نمایندهٔ مجلس را انتخاب می‌کنند، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند، وزرا را باواسطه انتخاب می‌کنند، خبرگان را انتخاب می‌کنند، رهبری را باواسطه انتخاب می‌کنند...» که این امر از دل اسلام جوشیده است: «مردم‌سالاری ما از دل اسلام جوشید... مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است» (آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ر). «نهادینه‌شدن» مردم‌گرایی و مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه رهبر شهید و همواره سیره مستمر مکتب فکری ایشان بود. از نظر ایشان (۱۳۹۲ز)، مشارکت مردم در کنار مسئولان برای سازندگی آیندهٔ جمهوری اسلامی ایران اهمیت اساسی دارد: «آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم... ضروری است... بدون حضور مردم، کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد...». از سوی دیگر، آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۲ژ) مشارکت مردم را نشانهٔ وفاداری به انقلاب و امید به نظام جمهوری اسلامی ایران و اعتماد به روحانیت و خدمتگزاران نظام می‌دانستند و می‌فرمودند «ملت ایران مفتخر است که مسیر مردم‌سالاری اسلامی را در دوره‌های پی‌درپی با انگیزه و نشاط پیموده... مشارکت گستردهٔ مردم... پیام‌هایی روشن به همه رسانید؛ پیام وفاداری خدشه‌ناپذیر به انقلاب، پیام اعتماد و امید به نظام جمهوری اسلامی، پیام اعتماد به روحانیت شجاع و پیشرو و اعتماد به خدمتگزارانی که با همت و ابتکار خود برآنند که بر موفقیت‌ها افزوده و از مشکلات بکاهند».

عدالت‌گرایی بعنوان بنیان احکام الهی و عمود خیمه مکتب رهبر حکیم: اهمیت عدل و عدالت در اسلام

ریشه در قرآن دارد و صفتی است که خداوند آن را صفت و ویژگی خود دانسته است. خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست (آل‌عمران: ۱۸).

میتوان ادعا کرد که حدود یکدهم از آیات قرآن یا بهطور مستقیم و یا بهطور غیرمستقیم به این بحث اشاره دارند» (صیادنژاد، ۱۳۸۵: ۸۶).

مفهوم عدالت در اسلام آنقدر اهمیت دارد که برخی معتقدند اصل عدالت را میتوان بهعنوان معیاری برای فقاهت و استنباط‌های فقهی مطرح نمود. در واقع بهدلیل «اعتقاد به اصل عدل و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد نفس الامری و اصل حسن و قبح عقلی و حجیت عقل، عدل زیربنای فقه شیعی» بهشمار میرود. رهبر حکیم و شهید همواره به عدالت‌گرایی و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در فرصت‌ها و امکانات توجه داشته‌اند.

ایشان (۱۳۹۰ت) عدالت را به‌معنای «تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم و تقسیم درست فرصت‌ها میان مردم» تعریف می‌کنند و در ارتباط با عدالت اجتماعی، ایشان (۱۳۸۳الف) آن را «مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار» می‌دانند و می‌فرمایند «در همة برنامه‌های حکومت... باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی موردنظر و هدف باشد».

همچنین ایشان در بیانات خود در ارتباط با عدالت و توسعه و رشد اقتصادی می‌فرمایند (۱۳۷۲) «رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی مسئله اول نیست؛ آنچه در درجة اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد، محروم نباشد، تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد... آنچه که عمومی است، مثل فرصت‌ها و امکانات متعلق به همة کشور است و باید در این‌ها تبعیض وجود نداشته باشد».

درواقع از نظر ایشان (۱۳۸۳ب)، عدالت و توسعه اقتصادی با هم متنافی نیستند: «نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند...» و عدالت به عنوان هدف بوده و رشد و توسعه به‌عنوان مقدمة عدالت مطرح است: «بعضی این‌طور تصور می‌کردند که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطة مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر، اسلامی نیست. عدالت هدف است و رشد و توسعه، مقدمة عدالت است...» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴).

از سوی دیگر ایشان (۱۳۷۸) عدالت و پیشرفت را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار می‌دادند و تأکید می‌کردند که «ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم... نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم...». ایشان (۱۳۹۱ج) در واقع عدالت را یکی از شاخص‌های پیشرفت می‌دانند و می‌فرمایند «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت

نیست... این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است...».

در مرکز جهان‌بینی مکتب آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای (ره)، تعهدی تزلزل‌ناپذیر به عدالت نهفته است که به قدرتمندترین شکل در برخورد قاطعانه ایشان نسبت به ظلم در همه اشکال آن آشکار می‌شود. دیدگاه ایشان راجع به فلسطین، مظهر این اصل است و ایشان مبارزه فلسطین را نه صرفاً یک مناقشه ارضی، بلکه مسئله اخلاقی تعیین‌کننده زمان ما، یعنی آزمون وجدان بشریت، می‌دانند. اشغال سرزمین‌های فلسطینی، در این تحلیل، نه تنها بی‌عدالتی سیاسی، بلکه نقض اساسی قانون الهی و کرامت انسانی است. این موضع از اعتقادات عمیق الهیاتی راجع به وجوب مقاومت در برابر سلطه، همراه با درک پیچیده از چگونگی عملکرد قدرت در جهان معاصر ناشی می‌شود.

۷) تشویق کننده فرهنگ جهاد و شهادت و نگاه والانگر: رهبر حکیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همواره از روحیه انقلابی و جهادی برخوردار بودند و همواره فرهنگ و ادبیات جهاد و شهادت را بعنوان بالاترین وجه ارزشی انسان مورد توجه و تأکید قرار می‌دادند. این اسطوره جهاد و شهادت بود که ادبیات و روایت‌های جهاد و شهادت را فراگیر کرد و با وقت گذاشتن برای شعر و ادبیات جهاد و شهادت، همنشینی با خانواده‌ها و فرزندان شهدا بدون تفاوت بین شهدای شیعه و سنی، مسیحی و ارمنی و ارزش والا گذاشتن بر سرداران و سربازان «دل به خدا سپرده» و جهادگران سلحشوری همچون چمران‌ها، بابائی‌ها، کاظمی‌ها، سردار سلیمانی‌ها و شهدای بزرگی چون سید حسن نصرا و شهدای جنگ ۱۲ روزه همچون سردار باقری و سردار سلامی و سایر شهدای گرانقدر. ایشان خود روایتگر جهاد و شهادت بودند و از بسیجیان گمنام گرفته تا سرداران بزرگ را با جزئیات می‌شناختند و می‌شناساندند. جلسات دیدار مستمر ایشان با خانواده شهدا ، فرزندان و حتی نوادگان و اقوام درجه یک شهدا، دیدنی و شنیدنی است. رهبر دلباخته الهی بارها آرزوی شهادت کردند و به آستان پروردگار التجاء می‌کردند که سرانجامِ ایشان را در این جهان فانی، شهادت در راه خدا قرار دهد.

ایشان به صراحت می فرمودند: «بهترین مردنها، شهادت است. بالاترین اجرها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند... پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیایت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواحنافداه)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده» (آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای، ۱۳۷۰). فلسفه اهتمام ایشان به فرهنگ ایثار و شهادت بخاطر ساختن یک جامعه سالم و صالح مبتنی بر خالص‌کردن همه وجود و همه تلاش‌ها برای کسب رضایت خدا و فدا کردن خود برای صلاح و رستگاری جامعه بشری بود. از نظر ایشان «شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوبترین سرمایه دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است» (آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

ایشان مفاهیم عمیق عرفان اسلامی را بیانی ساده بعنوان فرهنگ ایثار و شهادت بیان می‌کرد. در فرازی می‌فرمایند: «ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اوّلین موضعگیریِ شهید است» (آیت‌ا‌ الع‌ظمی خامنه‌ای، ۱۳۷۶). در مکتب رهبر شهید، توجه به ایثار و شهادت بعنوان یک منبع اصلی برای تربیت نسلی با فرهنگ والای الهی بود، نسلی که از دل آن اصحاب و مشائین اربعین و جاماندگان اربعین و اهل اعتکاف خلق شدند که نمونه این نسل در تاریخ کم نظیر است.

ایشان از این مسیر سرمایه بزرگ و تمدنی انقلاب اسلامی را بوجود آوردند. در این وادی مختصات فراوانی است که این مقال، ظرفیت بیان آن را ندارد ولی سرخط مهمی برای شناخت مکتب رهبر شهید و شهادت طلب است.

۸) علمگرایی و پیشرفت‌گرایی دانشبنیان: در اندیش‌ الهی و اسلامی، بالاترین ارزش متعلق به علم و دانش است. ایشان تحت تاثیر مکتب امام علیعلیه‌السلام بود که می‌فرمودند: «راس الفضائل العلم، غایه الفضائل العلم/ رأس ارزش‌ها، دانش است و مقصد نهایی فضیلت‌ها دانش است» (میزان الحکمه، جلد ۸، ص 7، حدیث ۱۳۷۵۳). و پای‌ هم‌ موفقیتها و پیشرفت‌ها و یافتن راه سالم و صالح، علم و دانش است و علم از یک ماهیت قدرتی برخوردار است که صاحب آن را توانایی میبخشد و وقتی در سطح یک ملت بروز پیدا میکند، آن ملت را قدرت، ثروت و توانایی میبخشد و در هم‌ ابعاد کار و زندگی برجسته میسازد. به تعبیر امام علی علیه‌السلام: «العلم افضل قنیه/ دانش بهترین دارایی است» (میزان الحکمه، جلد ۸، ص ۸، حدیث ۱۳۷۶۰).

در واقع این گزاره اصلی فکر امام شهید بود که دانش ریش‌ هم‌ خوبیها و نادانی و ناآگاهی ریش‌ هم‌ بدبختیها و گمراهیها است. ایشان احیاگر سیره قولی و عملی رسول خدا صلی‌ا‌ علیه و آله بود که می‌فرمودند: «العلم راس الخیر کله و الجهل راس الشر کله/ دانایی، عامل اصلی همة خوبی‌هاست و نادانی عامل اصلی همة بدی‌ها است». این نگاه درواقع امری است که در نگرش و اندیشههای فکری رهبری جمهوری اسلامی ایران بهصورت گسترده دیده میشد و تبدیل به یک سنت علم‌گرای و تشویق مسیر علم و دانش شده بود. از نظر رهبر شهید انقلاب، «علم و دانش» در کنار «ایمان»، مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی بوده و پایة پیشرفت همه‌جانبة یک کشور به‌حساب می‌آید.

حضرت آیت‌ا‌ الع‌ظمی خامنه‌ای (۱۳۹۰پ) در ارتباط با اهمیت علم می‌فرمایند «گفتیم العلم سلطان؛ علم اقتدار است. هر کسی که دارای علم و دارای این اقتدار شد، طبق این روایت «صال» می‌تواند بر محیط جهان حکمفرمایی کند، یعنی اهداف خودش را دنبال کند. هر کسی مالک آن نشد، «صیل علیه»؛ یعنی بر او حکمفرمایی خواهد شد». درواقع از نظر ایشان علم و دانش، منبعی برای رسیدن به اهداف، مایة اقتدار، ثروت‌آفرین، قدرت نظامی‌آفرین و قدرت سیاسی‌آفرین» (۱۳۸۸الف) است که باید آن را «برای خدمات، برای معنویت، برای پیشرفت فضایل انسانی و برای دفاع حقیقی از حقوق انسان» (۱۳۸۹پ) فراگرفت.

لذا رهبر شهید انقلاب بر «جهاد علمی» تأکید داشتند و منظور ایشان، «علم به معنای عام، نه فقط علوم تجربی» است. همین‌طور ایشان (۱۳۸۹ت) به از میان برداشتن موانع و در هم شکستن معارضه‌ها و «انحصارها» و «خست‌هایی» که در حوزهٔ علم وجود دارد اشاره داشتند و بر «حفظ شتاب علمی»، «رسیدن به مرجعیت علمی»، «استغنای علمی و شکستن مرزهای دانش»، «نوآوری علمی»، «شجاعت علمی»، «حرکت به‌سمت استقلال علمی»، «ارتباط صنعت و دانشگاه» و «سرمایه‌گذاری در حوزهٔ علم و تحقیق» در این حوزه توجه می‌کردند. از سوی دیگر ایشان پیشرفت علمی را مسئولیتی می‌دانستند که بر عهدهٔ تمامی دستگاه‌های کشور است و بر ناظر بودن آن بر نیازهای کشور تأکید داشتند.

رهبر عزیز پیوند عمیقی با کتاب و خواندن داشت. در این مسیر انس شخصی به تمدن‌شناسی، ادبیات فاخر، ادبیات انقلابی و خواندن آثار بزرگان ادبی ایران و جهان داشت و مشوق خواندن و توسعه دانائی بود.

۹) استقلال‌گرایی و تمرکز بر قدرت ملی: یکی از بارزترین خصوصیات رهبر و مقتدای شهید، تقویت بنیه‌های تامین استقلال ایران عزیز بود. از همین منظر بود که ایشان اهتمام جدی نسبت به تقویت بنیه دفاعی کشور داشت که ثمره آن را در این ایام می‌بینیم که ایران را بعنوان یکی از 5 قدرت جهانی مطرح می‌کند و بروز آن در جنگ ۱۲ روزه آمریکای سلطه گر و رژیم غاصب اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ و جنگ سوم در اسفند ماه ۱۴۰۴ به نمایش گذاشت.

قدرت دفاعی که حس قدرتمند بودن را به مردم ایران و مردم جهان منعکس کرد و موجب تسلیم و کرنش قدرت‌های بزرگ نظامی جهانی با بودجه‌ها و امکانات بزرگ تخریب و کشتار جمعی شد. آمریکائی که در ۱۶۰ کشور جهان پایگاه نظامی با ارزش تخمینی نزدیک به ۹ تریلیون دلار، مجبور به زانو زدن در مقابل ملت قدرتمند و نظام دفاعی توانمند شد و باورمندی به توانائی ایران عزیز را به نمایش گذاشت. منبع دیگری که تامین کننده استقلال جمهوری اسلامی ایران شد، دانش بومی و تبدیل شدن ایران به کشور دانشمندان بزرگ جهان و قرار گرفتن در میان ۱۰ کشور برتر جهان در حوزه مهم دانش شد.

با همین رویکرد، ایشان بر اقتصاد مقاومتی و پیشرفت ایران عزیز تاکید داشت. مقاومتی بودن امر پیشرفت که منجر به تأمین استقلال، استحکام، قدرت و قوت در مقابل تهدیدها، تحریم‌ها و تأمین‌کنندهٔ ظرفیت‌های راهبردی که تضمین‌کنندهٔ سلامت، شکوفایی، نشاط و عزت یک ملت شود، پدیده‌هایی است که در همهٔ بخش‌های اساسی مرتبط با توسعه و پیشرفت یعنی اقتصاد، فرهنگ و سیاست انعکاس پیدا می‌کند. اقتصاد مقاومتی مفهومی برخاسته از شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران است که از ماهیت حرکت برخلاف موج و گفتمان قدرت‌های بزرگ برخوردار است و ماهیتی اسلام‌گرایانه و ایرانی‌گرایانه دارد که به‌نوعی بنیان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را نیز تشکیل می‌دهد. در واقع اقتصاد مقاومتی از یک مرکزیت اقتصادی برخوردار است، ولی پدیده‌ای چندوجهی است که قلمروهای فرهنگ مقاومتی و سیاست مقاومتی و همچنین روشنفکری مقاومتی و همراهی قدرتمند مردم نیز برخوردار است. فرهنگ مقاومتی به‌عنوان پایهٔ

اصلی تأمین کننده سلامت فراگیر فرهنگی است که دامنة آن کل مسیر توسعة صنعتی، کشاورزی، خدمات و توسعه را شامل می‌شود.
از سوی دیگر فرهنگ مقاومتی اشاره به فرهنگی دارد که نه تنها منتهی به انزوای فرهنگی نمی‌شود، بلکه حمایت‌کنندة تعامل با جهان با تکیه بر ظرفیت‌های تمدنی و فرهنگی جامعة اسلامی ایران است. سیاست مقاومتی نیز اشاره به ابعاد حاکمیتی و سیاسی دارد که منجر به پویایی سیاسی و استحکام ظرفیت‌های سیاسی در عرصة ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

۱۰) دشمن‌شناسی و استعمار شناسی عمیق: آن رهبر آزاده و بهره‌مند از خداباوری و خودباوری از یک روحیه مبارزه با نظام سلطه و استعمار برخوردار بود و این غده سرطانی بدخیم که بر دل و جان مردم جهان رسوخ کرده بود را با عمق والا می‌شناختند. ایشان پنجه گرگ نظام استعماری را در لابلای زرق و برق نظام مدرن بخوبی می‌دیدند و از یک بصیرت تیزهوشانه‌ای برخوردار بودند. یک استعمار شناس عمیق بود که استعمار را همه به لحاظ سیاست ها و همه به جهت روش ها و از مهمتر تفکر استعماری را می‌شناخت. در میان دشمنان انقلاب اسلامی و مردم مظلوم جهان، همچون امام راحل ره تاکید زیادی بر توجه به شیطان بزرگ یعنی آمریکا داشتند. ایشان در سخنرانی نوروزی خود در سال ۱۳۹۹ می‌فرمایند: «امروز البتّه خبیث‌ترین دشمن ما و دشمن جمهوری اسلامی آمریکا است. البتّه ما دشمن کم نداریم امّا آن که از همه خبیث‌تر و عنودتر است، عبارت است از آمریکا. مسئولان آمریکایی، هم دروغ‌گو هستند، پشت‌هم‌انداز هستند، وقیحند، طمّاعند، شارلاتانند -حرکتهایشان، حرفهایشان را شما بشنوید، [می‌بینید] شارلاتانی حرف میزنند؛ یعنی انواع و اقسام خصوصیّات زشت اخلاقی- و هم البتّه در کنارش ظالمند، سنگدلند، بشدّت بی‌رحمند، تروریستند؛ یعنی آنچه خوبان همه دارند، اینها به‌تنهایی همه را دارند! یعنی این جور دشمنی در مقابل ما امروز وجود دارد».
ایشان بر آگاهی مردم و ملت‌ها نسبت به دیدگاه‌ها، روش‌ها و منش‌های دشمن و نظامات استعماری و سلطه‌گرایانه تاکید داشتند. در دیدار خود با نخبگان جوان علمی در ۲۶ مهرماه ۱۳۹۶ فرمودند: «میخواهم به شما و به هر کسی که این حرف را خواهد شنفت بگویم: دشمن را بشناسید، دشمن را بشناسید. یکی از خطراتی که هر ملّتی را تهدید میکند این است که دشمنِ خودش را نشناسد، دشمنِ خودش را دشمن نداند؛ یا دوست بداند یا بی‌طرف بداند؛ این خطر خیلی بزرگی است. این خواب‌رفتگی است. هم دشمن را بشناسید، هم روشهای دشمنی‌اش را بشناسید؛ ببینید چه‌جوری دشمنی میکند.
دچار غفلت نشویم؛ اگر غفلت کردیم، غارت خواهیم شد؛ اگر غفلت کردیم، شبیخون به ما زده خواهد شد؛ غفلت نکنیم. امیرالمؤمنین (علیه السّلام) فرمود ــ در نهج البلاغه است ــ وَ اللَّهِ لَا اَکونُ کَالضَّبُعِ تَنامُ عَلَی طولِ اللَّدمِ؛[۱] من مثل آن حیوانی نخواهم بود که معمولاً برای اینکه به خواب برود، یک آهنگی میخوانند و او به خواب میرود؛ من خواب نخواهم رفت، بیدارم و میفهمم

دُوروبَرم چه میگذرد. از ما هم همین را خواسته‌اند. نباید به خواب برویم، نباید غفلت کنیم».
ایشان اشراف عمیق نسبت به تاریخ استعماری غرب داشت و می فرمودند: «در تاریخ، غربی‌ها نخواهند توانست لکه‌ی ننگ استعمار را از دامان خود پاک کنند. شعارهای طرفداری از حقوق بشر، شعارهای طرفداری از دموکراسی، نخواهد توانست عملکرد غربی‌های مدعی و پرادعا را در آسیا و در آفریقا و در آمریکای لاتین و در نقطه‌نقطه‌ی کشورهائی که سالها تحت استعمار بودند، به فراموشی بسپرد. آن روز با استعمار این کار را کردند، امروز به شکل دیگری همان نقشه را دنبال میکنند، همان هدفها را دنبال میکنند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۷ خرداد ۱۳۹۲).
بی اعتمادی به آمریکا، تکه کلام همیشگی ایشان بود. در صحنه عمل، خیانت، خدعه، تزویر و عدم پایبندی آمریکا به تعهدات نسبت به مردم ایران عزیز در همین دو جنگ اخیر یعنی جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان به اثبات رسیده است.
امروز که در فرآیند آتش‌بس قرار گرفته‌ایم همچنان این روحیه خیانت در امانت و عدم پایداری بر تعهدات بصورت محسوسی دیده می‌شود.
جمع‌بندی: تمرکز بر تمدن نوین اسلامی و گام برداشتن با رویکرد تمدنی بنیان اصلی فکر ایشان در حوزه های متنوع علم و دانش، دین و ایمان، پیشرفت و فناوری، اخلاق و عرفان، زبان و ادبیات، ایران گرایی و توحیدگرایی تمرکز بر هدف متعالی و ساختن تمدن نوین اسلامی بود. بر این مبنا، روشن می‌شود که مکتب رهبر حکیم و شهید، یک نگاه نظام‌مند و هدفمند و البته یک رویکرد توحیدی و عدالت‌گرایانه معطوف به استقرار شاخص های تمدن نوین اسلامی بود. تمدنی که برخوردار از عدالت فراگیر، امنیت فراگیر و تأمین‌کننده سلامت و آسایش برای همگان و رفتن به سمت جهانی عاری از ظلم و تجاوز به حقوق انسان‌ها و همة موجودات جهان هستی است. رسیدن به چنین جهانی، مستلزم توجه به هدایت‌های الهی و احترام به حقوق انسان‌ها بر مبنای مدل جامعی است که به همة نیازهای اساسی انسان توجه شود. این مدل در یک مسیر تاریخی توسط انبیاء الهی از آدم (ع) گرفته تا ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و خاتم انبیاء الهی، حضرت محمد (ص) که درود خدا بر همة آنها باد، تکامل یافته است و سلامت و سعادت جاودانه انسان بستگی به میزان توجه و عمل به این قوانین الهی دارد.
مکتب رهبری حکیم و شهید با این بیان کوتاه تبیین نمی‌شود و ذکر جزئیات گسترده و تفاسیر عمیقی را نیاز دارد که فهم آنها ما را با شخصیت والامقام و الهی آن و فلسفه همه تلاش‌ها، مجاهدات‌ها و ثبات قدم ایشان آشنا کند و تصویر روشنی از زندگی الهی مبتنی بر ارزش‌های تمدن نوین اسلامی را ارائه دهد که امیدوارم در نوشته تفصیلی‌تری در آینده تبیین شود.
خداوند آن اسطوره بزرگ مقاومت و حکمت را که سهم تاریخی و مهمی در تغییر مسیر تاریخ و استعمارزدایی از جهان دارد با شهدای کربلا محشور کند و روح بلندش را در جوار اولیای خویش آرامش بخشد و ما را از رهروان صادق راهش قرار دهد و انشاء شاهد استمرار مشی و سیره و سنت فکری ایشان در

ادامه مسیر انقلاب اسلامی باشیم که بطور حتم رهبر اندیشمند انقلاب آیت‌ا‌ سید مجتبی حسینی خامنه‌ای همان سنت را ادامه خواهند داد و شاهد روزهای با عظمتی برای ملت شریف و ایران تمدنی خواهیم بود.

کتابنامه منابع

ابن موسی، ابوالحسن محمد بن الحسین (سید رضی). (۱۳۹۲). نهج‌البلاغه (ع. تقدیری، مترجم). تهران: انتشارات یاران جوان.

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۶۸، ۲۶ خرداد). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانش‌آموزان و دانشجویان. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2096

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۲، ۱۲ مرداد). بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7547

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۶، ۹ بهمن). بیانات در دیدار با مسئولان دولتی. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2552

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۸۳، ۲۷ اردیبهشت). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان کردستان. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6917

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۰، ۱۶ مرداد – الف). بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16889

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۰، ۱۹ مرداد- ب). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۰، ۷ دی-ج). بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1654

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۱، ۱ فروردین - الف). بیانات در حرم مطهر رضوی. بازیابی شده از https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۱، ۱ فروردین-ب). پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1392 هجری شمسی. بازیابی شده از https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=25952.

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۲، 1 فروردین-الف). بیانات در حرم مطهر رضوی. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3314

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۲، ۱۸ خرداد- ب). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم. بازیابی شده از http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2633

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۲، ۲۹ دی-پ). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. بازیابی شده از http://:content-keyword/ir.khamenei.farsi?id=1684

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۴، ۹ اردیبهشت-ت). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی. بازیابی شده از http://:content-speech/ir.khamenei.farsi?id=22405

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۴، ۲۵ شهریور- الف). بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم. بازیابی شده از http://:content-keyword/ir.khamenei.farsi?id=1657

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۲۰ آبان ۱۳۹۴ب). بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری. بازبینی شده از وب سایت رسمی ایشان در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31386.

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۲۵ خرداد ۱۳۹۷). بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی. بازبینی شده از وب سایت رسمی ایشان در: https://:content-speech/ir.khamenei.farsi?id=40725.

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۵ مهر ۱۴۰۲الف). بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری دومین کنگره ملی بزرگداشت شهدای استان همدان. بازبینی شده از وب سایت رسمی ایشان در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54021.

آیت‌ا‌ العظمی خامنه‌ای، س. ع. (۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ب). بیانات در دیدار با معلمان. بازبینی شده از وب سایت رسمی ایشان در: https://:content-speech/ir.khamenei.farsi?id=52723.

قرشی، ع. ا. (۱۳۵۲). قاموس قرآن (جلد ۲). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، م. (۱۳۸۵) میزان‌الحکمه، جلد ۸، قم، انتشارات دارالحدیث.

نویسنده : دکتر سعیدرضا عاملی – استاد گروه ارتباطات و مطالعات جهانی - دانشگاه تهران،